

تاریخ وصول: ۸۷/۱/۱۹

تاریخ تأیید: ۸۷/۲/۲۹

بحران هویت و هویت دینی

بهمن اکبری*

بی‌معیاری، جامعه‌گریزی، جدایی از خویش‌نوازی و احساس بی‌قدرتی‌گریبان‌گیر است. بحران هویت نه تنها خود یکی از عوامل آسیب‌زای اجتماعی بلکه دارای پیامدهای منفی نیز می‌باشد. که عبارتند: بحران آسیب‌های اجتماعی از قبیل بحران اعتیاد، طلاق، بزهکاری و انواع انحرافات اجتماعی، از این جهت که سیستم کنترل درونی (فرد) و سیستم کنترل بیرونی (اجتماعی) دچار اضمحلال می‌شود و فرد دچار یک نوع ناهنجاری و یا حتی بی‌هنجاری می‌گردد، فرار مغزها، بیکاری، آموزش و پرورش، از آن جهت که فرد را به لحاظ درونی دچار اضمحلال می‌کند و بی‌هدفی، رخوت، سستی و انزوا را بر او مستولی می‌سازد، مهاجرت و حتی محیط زیست، از آن جایی که محیط پیرامونی افراد را با مشکل مواجه کرده، امنیت روانی فرد را مضمحل می‌کند. از طرفی هویت دینی که ریشه در فطرت آدمی دارد، می‌تواند با تکوین و شکوفایی‌اش پیامدهای مثبتی در حوزه‌های فردی و اجتماعی به دنبال

چکیده: هویت مفهومی گسترده و کلان است که هویت فردی، دینی، جمعی، گروهی، ملی، قومی و فراملی را در برمی‌گیرد. تردیدی نیست که نوجوانان و جوانان با مسئله شکل‌گیری هویت رو برو هستند و درصد اندکی از آنان که قبلاً مشکلات بیشتری داشته‌اند، در جستجوی هویت، دچار بحران می‌شوند. در چنین وضعیتی فرد، در جریان دستیابی به نقاط قوت و ضعف، نظام ارزشی و هدف‌های زندگی و باورهای دینی و اجتماعی، ممکن است به دام یک فرقه افراطی مذهبی بیفتد و به اسارت باورها، اهداف و عملکردهای آن درآید.

نوجوانان و جوانان کنجکاوی که در پی کسب تجارب تازه هستند و می‌خواهند هویت خویش را روشن‌تر کنند، ولی ارتباط محکمی با خانواده و اقوام و همسالان خود ندارند، دچار احساس ناامنی می‌شوند. نوجوانی که گرفتار تردیدها و دودلی‌ها می‌شود، به گونه‌ای که گویا خودش، فرهنگش و ملیت خود را نمی‌شناسد و تصور قطعی و ثابت از خود ندارد دچار بحران هویت است که با یک نوع احساس پوچی،

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، مرکز مراغه.

نشانی اینترنتی: akbari.bah53@yahoo.com

را دچار بحران هویت و از خود بیگانه می‌کند، ضروری است به بررسی جوانب بحران‌ها و شاخص‌های بحران‌ساز و هویت‌ساز پرداخته شود، تا جوانان و حتی سنین دیگر دچار بازخوردها و پیامدهای منفی بحران هویت به ویژه هویت دینی و مذهبی نشوند که تمامی عناصر هویت‌ساز و برخی بحران‌ها به نوعی با این هویت دینی گره خورده و رابطه طولی و تنگاتنگی پیدا می‌کنند. بنابراین پردازش بحران هویت و هویت دینی می‌تواند ما را به اهمیت این مسئله آگاه سازد تا با سرمایه‌گذاری گسترده در سطح فردی و اجتماعی (با اثر بخشی و کارآمدی مفید) بتواند جوانان ما را از خلأ هویتی برهاند.

الف) بحران هویت^۱

قبل از تعریف بحران هویت لازم است، مفاهیم بحران و هویت جداگانه توضیح داده و سپس به تعریف بحران هویت اشاره شود:

۱. الف) مفهوم شناسی هویت^۲

در فرهنگ معین هویت به معنای ذات باری تعالی، هستی، وجود، و آنچه موجب شناسایی شخص شود آمده است (معین، ۱۳۷۸: ۵۲۲۸). و در فرهنگ عمید هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، اشاره شده است. به یک معنا هویت عبارت است از آنچه سبب تشخیص و یا آنچه موجب شناسایی فرد می‌شود (عمید، ۱۳۷۴: ۱۲۶۵). بنابراین هویت عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها، شناسه‌ها و الگوهای رفتاری اکتسابی که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر اقوام، ملل و تمدن‌ها متمایز می‌سازد.

داشته باشد، از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی و جهت دهی فرد و جامعه که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثربخش خویش را در عرصه‌های مختلف فردی (هویت دینی به عنوان مکتب خودسازی و انسان‌سازی) و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شفافیت و نمود بیشتری می‌بخشد. از آن جایی که بحران هویت به دلیل شرایط خاص کشورمان و جوان بودن جمعیت کشور گریبان‌گیر جوانان می‌شود و بی‌انگیزگی و بی‌مسئولیتی را در آن‌ها به وجود می‌آورد و مانع از فعالیت‌های مفید و سازنده آنان می‌گردد، باید بیشتر بررسی و در ارائه راهکارهای کلیدی بیش از پیش تلاش شود. در این مقاله سعی شده ضمن تبیین مفهوم بحران هویت، هویت دینی، شاخص‌های بحران هویت، عناصر بحران‌ساز و هویت‌ساز به یک سری راهکارهای کلیدی در این باره اشاره شود.

کلیدواژه: بحران، هویت، شاخص‌های بحران هویت، هویت دینی، رویکرد روانشناختی و جامعه‌شناختی بحران هویت، عناصر بحران‌ساز و عناصر هویت‌ساز.

مقدمه

از ویژگی‌های هزاره سوم جریان شتاب‌آلود زندگی است، حوادث و رویدادهای گوناگون آن چنان با سرعت پدید می‌آید که هر نوع فرصت تفکر و تأمل برای سیر در دنیای درون و جهان برون را از آدمی سلب می‌کند و حاصل این تعلق آدمی، نداشتن انگیزه کافی برای اندیشیدن راجع ضروریات زندگی‌اش است. پیامد این روند تصاعدی، پردازش انسان در قالب بیگانگی با خود و جهان خارج از خویشستن است که زمینه‌های بحران هویت را پدیدار می‌سازد. با توجه به این که بیشتر افراد جامعه را نیروی جوان تشکیل می‌دهد و این نیروی جوان در شرایطی است که تبلیغات منفی بیگانگان برای تهی کردن جوان‌ها از مذهب و فرهنگ خودی سیر تصاعدی داشته، آنان

1. Identity Crisis.

2. Identity.

معنا می‌دهد.

کاستلز هم هویت را «فرآیند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند» تعریف می‌کند یا به اعتقاد فروید «هویت‌ها براساس فرآیندهای حوزه ناخودآگاه بشر شکل می‌گیرد»، میشل فوکو نیز در *تبارشناسی انسان مدرن* از قدرت انضباط‌آفرین سخن گفته و این که این قدرت می‌خواهد بر کل جمعیت و بدن فرد نظارت، حکومت و فرمانروایی کند، اشاره داشته و معتقد است که در واقع هویت را گفتمان‌های قدرت غالب می‌سازند منابع هویت‌سازی عبارتند از: مکان و فضا، زمان و فرهنگ و دین (باقری، ۱۳۸۲: ص ۷). در واقع هویت «احساس تعلق به جامعه» است به گونه‌ای که در رفتار تأثیر می‌گذارد و اعضای یک گروه را از اعضای دیگر گروه‌ها متمایز می‌کند.

به عبارت دیگر هویت فرهنگی احساس همبستگی به جامعه و فرهنگ آن است به گونه‌ای که در رفتار اعضا تأثیر می‌گذارد. فرد در مقابل هنجارها^۷ و ارزش‌های جامعه خود احساس تکلیف و تعهد می‌کند و در امور مختلف مشارکت می‌جوید و انتظارات جامعه را از خود پاسخ می‌دهد و بحران هویت نوعی اختلال و از خود بیگانگی است که فرد با خود، دیگران و جامعه دارد. بحران هویت شخص را در ارتباطات فردی و اجتماعی دچار بیگانگی می‌سازد. در این هنگام فرد به شیء تبدیل خواهد شد که قدرت ارزیابی از خویش خویشتن و ارتباط متقابل با اجتماع را از دست داده و دیگر نمی‌تواند جایگاه و منزلت خود را دقیقاً ارزیابی کند و نمی‌داند

گافمن نیز معتقد است که هویت براساس شرایط اجتماعی فرد و توانایی‌های فردی او شکل می‌گیرد. به اعتقاد جیمز ماریس هویت سازمانی درونی، خود جوش و پویاست که از سائق‌ها، توانایی‌ها، باورها و تجارب گذشته فرد نشأت می‌گیرد. ایشان به چهار نوع هویت در نوجوانان که شامل هویت کسب شده^۳، پیش رس^۴، ابهام هویت^۵ و خویش‌نمایی^۶ است، اشاره می‌کند (روانشناسی رشد، ۱۳۸۰: صص ۱۳۷ - ۱۴۲).

۱-۱ الف) رویکرد روانشناختی و جامعه‌شناختی هویت

در یک نگرش کلی درباره مسئله هویت می‌توان چنین بیان کرد که روانشناسان اساساً هویت را از نگاه فردی و جامعه‌شناسان آن را از نگاه جمعی تعریف می‌کنند. در واقع روانشناسان معنای هویت را به ویژگی‌های شخصیتی و احساسی فرد نسبت می‌دهند. در این جا هویت عبارت است از «احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی». روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان معتقدند احساس هویت به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد، در واقع شخصیت به صورت اجتماعی و بی‌واسطه در مراحل مختلف اجتماعی شدن شکل می‌گیرد.

به اعتقاد جورج هربرت مید تصویری که شخص از خود می‌سازد و احساسی که به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند. به نظر هویت داشتن یعنی یگانه بودن از دو جهت متفاوت: اولاً همانند دیگران بودن در جامعه و همانند خود بودن در گذر زمان. به عبارت دیگر هویت از نیازهای روانی انسان و پیش نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است. در واقع هویت اجتماعی هم ارتباط اجتماعی را امکان پذیر می‌کند و هم به زندگی افراد

3. Identity Achievement.

4. Fore closure

5. Identity Diffusion.

6. Moratorium

7. Normies

ص ۶۷). البته در نگرش اریکسون بحران هویت منحصر به دوره نوجوانی یا جوانی نیست و امکان دارد برای هر فردی روی دهد. به اعتقاد اریکسون، عمده‌ترین تکلیف یک نوجوان حل بحران هویت در برابر سردرگمی نقش است. برای رسیدن به هویتی کم و بیش با ثبات، نوجوان باید نیازها، آرزوها و توانای‌های خود را به شکل تازه‌ای سازمان دهی کند، تا از این طریق بتواند خود را با انتظارات موجود در جامعه وفق دهد (پاپالیا، دیان، و همکاران، ۱۹۹۲: ج ۳، ص ۳۴۲). بنابراین زمانی که فرد یا جامعه از عناصر هویت‌ساز خویش مانند دین، زبان، نژاد، قومیت و فرهنگ آگاهی نداشته باشد و یا عناصر هویتی جایگاه خود را به عنوان شاخص‌های شناخت یک جامعه از دست بدهد و عناصر دیگر نیز به جای آن‌ها شناخته نشده باشد. فرد یا جامعه با بحران هویتی مواجه می‌شود. با این اوصاف فرد برای خروج از این بحران بایستی به یافتن ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود بگردد تا از درهم ریختگی و اختلال هویت^۸ که دائماً در رنج و عذاب است، رهانیده شود و هویت اصیل خویش را باز یابد.

بی‌تردید یکی از مسائل عمده‌ای که در سال‌های بعد از انقلاب به ویژه در سال‌های اخیر مسئولان مطرح کرده‌اند مسئله «بحران هویت» است. این بحران که نتیجه تلاقی سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی و تقابل آن‌ها در برابر یکدیگر طی سده‌های متمادی است، چالش‌ها و آسیب‌های جدی را در شکل‌گیری هویت ایرانی به وجود آورده است. تقابل زندگی مدرن با سنت‌های بومی آن چنان روند

چه پیوندهایی رشته ارتباطی او را به خود و جهان خارج (اجتماع) متعلق می‌سازد؟ نمی‌داند چه نقش‌ها و وظایفی در قبال خود و جامعه دارد؟ و در نهایت نسبت خود را با گذشته، حال و آینده به درستی تشخیص نمی‌دهد و نمی‌شناسد.

۲-۱ الف) بحران^۹

بحران به معنای تغییری ناگهانی است که در جریان یک بیماری پدید می‌آید و صفت ویژه آن معمولاً بروز وخامت است، حالت و فرآیندی که با آن تعادل ناپدید می‌شود و از انتقالی نسبتاً اجتناب‌ناپذیر به سوی شرایط و اوضاعی دیگر خبر می‌دهد (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ص ۶۳).

۳-۱ الف) بحران هویت

از میان روانشناسان، اریکسون بر مفاهیم هویت (حس درونی که علی‌رغم تغییرات خارجی، ثابت می‌ماند)، بحران هویت و آشفتگی هویت^۹ تأکید می‌کند. بحران هویت واژه‌ای است که وی برای توصیف «عدم توانایی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد» به کار برده است (به پژوه و دیگران: ص ۶۴). یا بحران هویت عبارت است از عدم موفقیت یک نوجوان در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از این که به علت تجارب نامطلوب کودکی و یا شرایط نامساعد فعلی باشد، بحرانی ایجاد می‌کند که بحران هویت یا گمگشتگی نام دارد (شاملو: ۴۸). به اعتقاد اریکسون آشفتگی هویت فرد در خلال مرحله شکل‌گیری هویت احتمال دارد شدیدتر از هر زمان دیگر چه در گذشته و چه در آینده باشد و فرد از نوعی سردرگمی و آشفتگی نقش‌ها رنج ببرد، این حالت سبب می‌شود وی احساس کند؛ منزوی، تهی، مضطرب و مردد شده است چنان که در طی آشفتگی هویت، فرد ممکن است احساس کند به جای آن که در حال پیشرفت باشد دچار پسروی است (همان:

8. Crisis.

9. Identity confusion.

10. Identity Disorder.

افزایش و بسط ارتباطات فراملی توسط وسایل ارتباط جمعی و به وجود آمدن نوعی تضاد در فرآیند فرهنگ‌پذیری و ایجاد تعارض نقش‌ها در افراد دانست.

۴-۱. الف) هویت دینی^{۱۴}

بر کسی پوشیده نیست که انسان فطرتاً خداجو آفریده شده است و میل و گرایش باطنی به خدا دارد. به عبارتی از آموزه‌های ذاتی مختص انسان که تعبیر به فطرت می‌شود در سه بعد معرفتی و شناختی، گرایشی (حس مذهبی) و توانشی به ترتیب در انسان

11. Abnormality.

... توضیح این که هرگاه نظارتی که جامعه بر رفتارها و هنجارها دارد ضعیف یا حذف شود، حالت آنومی به وجود خواهد آمد. آنومی در دو سطح بروز می‌کند: ۱. در سطح فردی و ۲. در سطح اجتماعی.

آنومی در سطح اجتماعی، نشانگر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است و احساسات فرد با توجه به سیستم اجتماعی سنجیده می‌شود و آنومی در سطح فردی یا آنومیا، نوعی احساس فردی از بی‌هنجاری است و نشانگر حالتی است که در آن احساسات فرد نسبت به خود وی سنجیده می‌شود. چنین حالتی همراه با اختلالات و نابسامانی‌هایی در سطح فردی بوده و فرد نوعی احساس ناهنجاری و پوچی و بی‌قدرتی را تجربه می‌کند. مثلاً احساس بی‌معنا شدن زندگی فرد که ناشی از تنزل یا فوران هنجارهای درونی است، مصداق بارزی از آنومی در سطح فردی است. (امیل دورکیم).

۱۳. به‌طوری که حداقل آمار رسمی در چند سال گذشته نشان می‌دهد که مسائل منکراتی در سال ۱۳۷۷ با نرخ ۶۳/۵ درصدی رشد کرده است و نرخ سن فحشا در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۷۶ هفت سال کاهش داشته و از ۲۷ سالگی به ۲۰ سالگی رسیده است و قریب به ۹۰ درصد دختران فراری به فحشا آلوده می‌شوند و در میان دختران و پسران همجنس‌بازی، خشونت، سرقت در سنین کم رو به فزونی گذاشته است (میری آشتیانی، همان: صص ۲۶۱ - ۲۶۲).

14. Religious Identity.

شتاب‌آلودی به خود گرفته است که فرصت جایگزینی فرهنگی و شکل گرفتن ساختارها و نهادهای منطبق بر مقتضیات زمانی و فرهنگ بومی را سلب کرده است. به طوری که افراد جامعه و به ویژه نوجوانان و جوانان دشوارترین شرایط را از لحاظ اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری تحمل می‌کنند و با نوعی نابهنجاری^{۱۱} و یا حتی بی‌هنجاری^{۱۲} دست به گریبانند که نتیجه آن بروز بحران هویت (در مقابل بحران بلوغ که به تغییرات بیولوژیکی و زیستی فرد اشاره دارد) است. نمونه‌هایی از شاخص‌های بی‌هویتی جوانان را امروزه می‌توان در سطح جامعه مشاهده کرد. گرایش به موسیقی لوس‌آنجلسی و جاز غربی از نوع تکنو، گرایش به مدهای غربی و وارداتی و تغییر الگوهای اصیل پوششی در جامعه و به دنبال آن رواج بدحجابی در سطح جامعه، گرایش به اعتیاد و مصرف مواد مخدر، گرایش به بزهکاری و انحرافات اجتماعی، افزایش طلاق، فحشا، سرقت، قتل و جنایت، انجام اعمال منافی عفت، شرکت در مجالس لهو و لعب (پارتی‌های شبانه)، تماشای فیلم مستهجن و کم‌توجهی و عدم علاقه به مسائل مذهبی و از خود بیگانگی (الینه شدن) و دیگر پنداری و قانون‌گریزی و هزاران مورد دیگر از مظاهر از خود بیگانگی و وجود بحران هویت در میان نسل جوان جامعه زیستی ما است. این مسائل هر روز ابعاد وسیع تری به خود می‌گیرد.^{۱۳}

از سوی دیگر در طی سال‌های اخیر جامعه اسلامی با کاهش نرخ معنویت و سلامت روحی و روانی و توجه به ارزش‌های انسانی و افزایش نرخ بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های اسلامی و انقلابی همراه بوده است. موارد مطرح شده مصداقی از بحران هویت در میان افراد جامعه و به ویژه جوانان است که می‌توان یکی از دلایل به وجود آمدن چنین شرایطی را

هویت دینی همیشه تمدن ساز بوده است (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ص ۷۱). هویت دینی اگر تقویت شود باعث پذیرش و مقبولیت اجتماعی نیز می‌شود چرا که اصلاح رابطه خود با خدا به اصلاح رابطه فرد با دیگران از سوی خداوند می‌انجامد و خداوند بذریه محبت و انجذاب وی را در قلوب دیگران می‌پاشد (حسنی، ۱۳۷۸: ص ۱۲۹) و مضافاً این که هویت دینی زندگی را معنادار کرده و از پوچ‌گرایی و نیهیلیسم و بی‌معناری و بی‌هدفی می‌رهاند، یعنی معناداری زندگی و هدفمندی فرد و جامعه در پرتو اعتقاد به خدا و دین او شکل می‌گیرد، چنان که چنین فردی خود را مسئولیت‌پذیر و متعهد دانسته و نسبت به رعایت حقوق حق‌الله، حق‌انفس و حق‌اناس ملتزم می‌سازد و از سویی ارزش‌های اخلاقی و قوانین اجتماعی و حقوقی را ارج نهاده و آن‌ها را در خود به شکل هنجار درمی‌آورد.

پس هویت دینی می‌تواند هنجارسازی کند و هنجارها را در درون فرد و جامعه تقویت یا تثبیت و افزایش دهد. چنان که اختلال در هویت دینی نیز می‌تواند فرد را هنجارشکن و بزهکار بار آورد. بنابراین با بروز بحران هویت دینی فرد دچار بی‌معناری، بی‌عاطفگی و بی‌هدفی و... می‌شود و این جا است که مشکلات فردی و اجتماعی یکی پس از دیگری بروز می‌کنند. به جدّ می‌توان گفت که اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عاملی که می‌تواند تمام هویت‌ها را وحدت بخشد، هویت دینی است چرا که گفتیم انسان فطرتاً این میل و گرایش را در خود دارد و می‌تواند عامل وحدت

حس خدایابی و میل به خداگرایی و توانایی قرب الی‌الله وجود دارد که در نهاد آدمی به ودیعه گذاشته شده است. چنان که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: « فذكر إنما أنت مذكر (غاشیه/۲۱). ای پیامبر یادآوری کن که تو تنها تذکار دهنده‌ای»^{۱۵}.

این آیه صریحاً بیان می‌کند که انسان فطرتاً خداجوست و هویت هر فردی با دین و اعتقاد به خدا آمیخته است. البته این امر به صورت بالقوه بوده و نیاز به شکوفایی و فعلیت دارد، همانطور که بین خودشناسی و خداشناسی ملازمه وجود دارد، بین خود فراموشی و خدا فراموشی هم ملازمه هست و این حکایت از شناخت فطری و علم حضوری به خداست.

به عبارتی هویت دینی که ریشه در فطرت آدمی دارد، می‌تواند با تکوین و شکوفایی آن پیامدهای مثبتی در حوزه فردی و اجتماعی به دنبال داشته باشد، از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی و جهت‌دهی فرد و جامعه که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثربخش خویش را در عرصه‌های مختلف فردی (هویت دینی به عنوان مکتب خودسازی و انسان‌سازی) و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شفافیت و نمود می‌بخشد.

حال می‌گوییم احراز هویت دینی برای نسل جوان، به منزله تقویت روحیه امیدواری و نشاط برای آینده‌ای بهتر است؛ زیرا از جلوه‌های دین مبین اسلام، انتظار حکومت (یرثها) عبادی الصالحون است. همچنین هویت دینی می‌تواند به زندگی فرد و اجتماع جهت دهد و یک زندگی هدفمند و خدا محور را برای او ترسیم کند نه زندگی انسان محور و ماشینی. از سوی دیگر تاریخ بشرگویی این مطلب است که دین و

۱۵. می‌دانیم که یادآوری و تذکر جایی است که قبلاً یک چیز را می‌دانیم و فراموش کرده‌ایم و با تذکر آن را به خاطر می‌آوریم، یعنی قبلاً بدان علم و معرفت داریم؛ اما در جایی که نسبت به امری جهل داریم؛ آن جا یادگیری را داریم و نسبت بدان امر قبلاً علمی نداشته‌ایم.

ارزشمند قرار می‌گیرد و تقویت جنبه ملکوتی فرد؛
 ۹. حس مسئولیت و تعهد شخصی و جمعی به صورت جهت‌دار و هدفمند جلوه می‌کند و او را در قبال خدا، و دیگران مسئول و پاسخگو می‌کند؛

۲-۴-۱. الف) پیامدهای بحران هویت دینی با توجه به نکات پیشین درباره پیامدهای مثبت هویت دینی می‌توان اذعان کرد افرادی که دچار بحران هویت دینی و مذهبی می‌شوند و به عبارتی در خصوص مسائل دینی احساس بی‌تفاوتی و بی‌رغبتی و عدم تمایل می‌کنند، با پیامدهای منفی ذیل دست به‌گریبان هستند:

۱. بی‌اعتقادی به مبدأ هستی و نگرش اومانستی به جهان پیرامون آن (حذف خدامحوری)؛

۲. احساس پوچی و بی‌هدفی و نگرش نهیلیستی به جهان و زندگی و بی‌معنا شدن آن؛

۳. نداشتن تعهد شخصی و گروهی و اجتماعی در تمامی عرصه‌ها و حتی در نقش‌هایی که به عهده می‌گیرد؛

۴. عدم مسئولیت‌پذیری در برابر خود، جامعه و دیگران؛

۵. سست و بی‌معیار شدن نظام ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در فرد؛

۶. خودستیزی و جامعه‌ستیزی؛

۷. ضعف باوهای دینی و کاهش خودکنترلی فرد؛

۸. هنجارشکنی؛

۹. گرایش به امیال، خواهش‌ها و خواسته‌های لجام‌گسیخته؛

۱۰. بی‌اعتمادی به خود و جامعه و متقابلاً سلب شدن اعتماد دیگران نسبت به او؛

۱۱. تبدیل جنبه ملکوتی فرد به جنبه حیوانی و تنزل پایگاه رفیع و ملکوتی انسانی؛

۱۲. انزوای اجتماعی؛

بخش نوع انسانی باشد (جیمز، ۱۳۷۲: صص ۱۶۷-۱۶۸).

۱-۴-۱. الف) پیامدهای هویت دینی

با توجه به نکات گذشته می‌توان پیامدهای هویت دینی را به صورت ذیل بیان کرد:

۱. پاسخ به پرسش‌های بنیادین از دستاوردهای هویت دینی است، این که من کیستم؟ و به کجا آمده‌ام؟ و آمدنم بهره‌برده بود؟ و... وقتی پاسخ داده می‌شود که انسان این هویت را در خود پرورانده باشد و گرنه فردی که دچار بحران هویت دینی شده و با این گونه پرسش‌های بنیادین و هستی‌شناسانه کنار نیامده به اعتقاد سورن‌کی کیگارد، فیلسوف اگزیستانسیالیسم، دچار دلهره و اضطراب وجودی می‌شود و برای فرار از این دلهره و اضطراب، چنین پرسش‌هایی را در اعماق وجود خود غرق می‌کند یا آن‌ها را به استهاله کشانده و بی‌پاسخ رها می‌سازد (نقیب زاده، ۱۳۷۵: صص ۲۴۹-۲۵۱)؛

۲. جهت‌دهی به زندگی و به نوعی ارزش نهادن بدان؛

۳. رویکرد مثبت به آینده و هدفداری جهان و بازخوردهای مثبت آن در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی؛

۴. معنادار شدن زندگی و به یک معنا ایجاد مرز جدایی بین معناداری و هدفمندی جهان و نگرش نهیلیستی و پوچ‌گرایانه به آن؛

۵. اعتقاد به مبدأ هستی و حاکمیت خدا محوری به جای انسان محوری (نگرش اومانستی)؛

۶. این که هویت دینی، زمینه‌ساز هویت تمدنی است که نمونه بارز آن تشکیل حکومت اسلامی و مدنی توسط نبی اکرم (ص) و امام عدل و حق (ع) بوده است؛

۷. برخورداری از مقبولیت اجتماعی؛

۸. شأن و منزلت جوانی در جایگاهی رفیع و

هنجارهای جامعه بیگانه شده است. چنین فردی اعتقادی به شیوه کارکرد جامعه، روابط و هدفهای خرد و کلان حاکم بر آن ندارد و چون فعالانه نمی‌تواند این روابط و هدفها را نفی کند با گوشه نشینی و انزوا، خود را از گزند جامعه به حاشیه می‌کشاند

۱-۳-۱-۵ (الف) جدایی از خویشتن

حالتی که فرد از خود بیگانه شده و نسبت به احساس واقعی، علاقه و باورهای خویش بیگانه می‌شود (ستوده، ۱۳۷۲: ص ۵۲). انجمن روانشناسی آمریکا نیز علایمی برای بحران هویت مشخص کرده است که از این قرار است:

- تردید در اهداف بلند مدت

کسی که بحران هویت را به طور سالم پشت سر گذاشته باشد، ولو به صورت ناآگاهانه، اهدافی کوتاه-مدت و میان مدت و دراز مدت دارد، ولی کسی که در بحران هویت مانده باشد، نمی‌تواند هیچ هدف بلند مدتی را برای خود ترسیم کند.

- تردید در انتخاب شغل

هنوز نمی‌داند چه می‌خواهد، ادامه تحصیل بدهد یا در پی کسب و کار باشد؟ در چه رشته‌ای تحصیل کند؟ چه کاری برگزیند؟ جدای از امکانات و واقعیات خارجی، او در ذهن خود نیز دارای تشویش و تردید است.

- تردید در الگوی رفاقت

نمی‌داند با چه کسانی باید دوست شود، با درس خوانها، یا بچه‌های متوسط و ضعیف؟ یا کسانی که

۱۳. کاهش شبکه‌های ارتباطی؛

۱۴. رشد فردگرایی و روحیه خودخواهی و خودپرستی؛

با توجه به این که در شکل‌گیری هویت‌ها عناصر مختلفی دخیل‌اند، در اینجا ضمن بیان شاخص‌های بحران هویت به عناصر بحران‌ساز و هویت‌ساز اشاره‌ای مختصر می‌کنیم.

۱-۳-۱-۱ (الف) شاخص‌های بحران هویت

از خودبیگانگی (الیناسیون) یا بحران هویت دارای شاخص‌های متعددی است که از نظر ملوین سیمن^{۱۶} عبارت است از:

۱-۳-۱-۱ (الف) احساس بی‌قدرتی

حالتی است که فرد احساس بی‌اختیاری نموده و قادر به تحت تأثیر قراردادن محیط اجتماعی خود نیست.

۱-۳-۱-۲ (الف) احساس پوچی

احساسی که شخص تصور می‌کند برای باورها و رفتارهای خود خطوط راهنمایی در اختیار ندارد. در واقع کسی که دچار پوچی شده انتظار چندانی از رضایت بخش بودن رفتار خود در آینده ندارد.

۱-۳-۱-۳ (الف) احساس بی‌معیاری

در این حالت فرد احساس می‌کند برای رسیدن به هدف‌های ارزنده خود نیازی به وسایل نامشروع دارد و برای رسیدن به هدف‌ها و تأمین نیازهایی که جامعه در او به وجود آورده است، و راه‌هایی را برای رسیدن به هدف‌هایش انتخاب می‌کند که جامعه آن‌ها را تأیید نمی‌کند. در این حالت چون فرد نمی‌تواند از طریق مشروع به هدف‌هایش دست یابد ممکن است مشکل را در خود ببیند و دست به رفتارهای ناهنجار زند به عبارتی فرد سعی می‌کند خلأ حاصل را به نوعی با انجام انحرافات اجتماعی پر کند.

۱-۳-۱-۴ (الف) جامعه‌گریزی

حالتی است که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و

16. Melvin Seeman.

۱. تیپ نظری (دارای ارزش نظری) ۲. تیپ اقتصادی (دارای ارزش‌های اقتصادی) ۳. تیپ زیبایی‌پسند (دارای ارزش‌های زیبایی‌گرایانه) ۴. تیپ اجتماعی (دارای ارزش‌های اجتماعی) ۵. تیپ مذهبی (دارای ارزش‌های مذهبی) و ۶. تیپ سیاسی (دارای ارزش‌های سیاسی).

نوجوان بین این ارزش‌های شش‌گانه مردد است. این در واقع همان بحران ارزش‌ها است.

- تردید در تعهد گروهی

این هم در واقع همان بحران مناسبات و روابط است، مناسبات او با والدین و همسالان، دستخوش تغییر می‌شود. گروه همسالان جای والدین را می‌گیرد. همان گروه است که همواره مورد تکریم و احترام قرار می‌گیرد. او را در برابر فشار بزرگسالان حفظ می‌کند، مرجع قدرت و اعتماد است و در برخوردهای اجتماعی الگو و سرمشق قرار می‌گیرد و بریدن ارتباطات نوجوان از گروه، یعنی بریدن طفل شیرخوار از شیر مادر (کاپلان و سادوک، ج ۴: ص ۲۶۰). به عبارتی دقیق‌تر می‌توان گفت بحران هویت برای همه نوجوانان است و همه باید از این مرحله عبور کنند، لکن بنابر امکانات و زمینه‌های قبلی و کیفیت گذراندن دوران کودکی بعضی خیلی سریع و راحت عبور می‌کنند و بعضی برای مدت طولانی در این بحران می‌مانند.

بحران هویت، همانند یک دالان شک است که برای رسیدن به یقین لاجرم باید از آن عبور کرد، ولی اگر کسی در آن دالان توقف کند، تمام زندگی‌اش مختل می‌شود، همیشه دچار سردرگمی‌های متعدد و چه بسا، اگر ادامه پیدا کند، باعث اختلالات روانی شدید بشود (کاوایی، ۱۳۸۲: صص ۷۴-۷۶).

انجمن مذکور برای افرادی که از بحران هویت به

وقت زیادی را به بازی می‌گذرانند؟ یا بچه‌های مسجد؟ یا بچه‌های کارگر و زحمت‌کش؟ یا بچه‌های ولگرد عیاش؟ و یا...؟ هر لحظه ممکن است به یکی از این گروه‌ها فکر کند و همدم یکی از این گروه‌ها باشد.

- تردید در تمایل و رفتار جنسی

گاهی ممکن است بر خود بلرزد و احساس گناه کند که چرا چنین فکری کرده است و حتی از تصور یک معنا هم گرفتار عذاب وجدان شود و گاهی ممکن است با خود استدلال کند که این میل باید ارضاء شود، گاهی ممکن است خود را به بی‌خیالی بزند و لحظه‌ای ممکن است به پیامدهای اجتماعی رفتارش بیندیشد، هنوز نمی‌داند که این میل درونی را بروز دهد یا نه؟ به چه صورت و از چه طریقی؟ این‌ها او را در تردید شدیدی قرار می‌دهد.

- تردید در تشخیص مذهبی

مذهب تقلیدی را نمی‌تواند با همه وجودش بپذیرد، با خود کلنجار می‌رود که کدام عقیده، کدام مذهب، کدام دین و کدام فلسفه زندگی را بپذیرد. معمولاً از سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی، دارای اعتقادات مذهبی بیشتری است. در سن ۱۸ سالگی این اعتقادات با علامت سؤال و کنجکاوای بسیار روبرو می‌شود. آنچه اهمیت دارد این است که اطلاعات و امکانات علمی و آموزشی، به قدر کافی در اختیار نوجوانان و جوانان باشد، تا بتوانند انتخابی صحیح داشته باشند (ناتانیل، انسان بدون خویشتن: ص ۲۹۰).

تردید در نظام ارزش‌های اخلاقی

به اعتقاد اشپرانگر تیپ‌های شخصیتی و به تبع آن ارزش‌ها این شش دسته‌اند:

- تصور فرد از خود همانند تصور دیگران از اوست

تصور فرد از خودش همانند تصور دیگران از اوست. در خلال تعاملات و آمد و شدها، کنش و واکنش‌هایی که داشته و بازخوردهایی که گرفته است، می‌داند که دیگران او را چه فردی می‌دانند و او خود را چگونه فردی می‌داند و این دو نگرش را در حد اعتدال، به نقطه مشترکی می‌رساند. اگر بین این دو نظر اختلافی هست، باید کم باشد، اگر بخواهد از خودش یک تعریف ارائه کند، با تعریفی که دیگران از او ارائه می‌کنند، هم‌خوانی زیادی خواهد داشت. اگر کسی این سه ویژگی را داشته باشد، معلوم است که از بحران هویت به سلامت عبور کرده است و در آنجا استقرار نیافته است (کاپلان و سادوک، همان: ص ۲۶۳).

۱-۳-۲. عناصر بحران‌ساز و عناصر هویت‌ساز البته بروز بحران هویت در کشور ما می‌تواند دلایل متعدد و پیچیده‌ای داشته باشد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر جریان بی‌هویتی فرد (به ویژه نوجوانان) اثر می‌گذارد. این عوامل عبارتند:

- نابسامانی خانواده‌ها.
- فقر و نابرابری.
- فردگرایی افراطی.
- تزاحم یا شکاف نسلی.
- توسعه نامتوازن و تأخر فرهنگی.
- مهاجرت روستاییان به شهر و اختلاف فرهنگی.
- عدم آموزش صحیح و اطلاع‌رسانی فرهنگی.
- بحران بیکاری و عدم اشتغال‌زایی مناسب برای جوانان (عدم ایجاد نقش‌های متفاوت برای جوانان).
- ضعف سیستم کنترل درونی (وجدان فرد، ایمان و اعتقادات مذهبی، اخلاقیات و پایبندی‌ها) و ضعف سیستم کنترل بیرونی (قوانین و مجازات‌ها و کلیه

سلامت عبور کرده‌اند و به احساس هویت رسیده‌اند، یک سری ویژگی‌ها بیان می‌کند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

- داشتن تقابل و تعامل اجتماعی - روانی

مراودات، گفت و شنودها، رفت و آمدها، کمک کردن‌ها، کمک خواستن‌ها همه و همه شکل عادی و بهنجار به خود می‌گیرد، با بزرگ‌ترها، به عنوان فرد کوچک‌تر و با کوچک‌ترها، به عنوان فرد بزرگ‌تر، رفتار مناسبی دارد، نقش خود را در خانواده، گروه همسالان، مدرسه و... احساس می‌کند و آن را به خوبی انجام می‌دهد.

- متمایز دانستن خود از دیگران

به این نکته توجه دارد که ممکن است در بعضی از ویژگی‌ها با کسی مشترک باشد، ولی در ویژگی‌های متعدد دیگری نیز با هم تفاوت‌های عاطفی، احساسی، شناختی و اخلاقی خود با دیگران را لمس می‌کند و خود را متمایز از دیگران می‌داند.

- داشتن ثبات رای در حد معقول

از تردیدهای کلی و کلیدی گذشته، در تردیدهای جزئی و مصداقی هم زیاد نمی‌ماند و در تصمیم‌گیری‌هایش کمتر دچار اضطراب می‌شود.

- داشتن تداوم در طول زمان

خود، گذشته، حال و آینده‌اش را یکی می‌داند. حال را عبارت از تجربیات و ذخیره‌های گذشته، امکانات فعلی، آرزوها و ایده‌آل‌ها، برنامه‌های آینده و خودش را فردی که از گذشته شروع شده و اکنون در موقعیت فعلی خودش است و در آینده هم فلان مسیر را طی خواهد کرد، می‌داند.

ویژه هویت دینی کمتر توجه می‌شود، لازم است به برخی راهکارهای پیشنهادی برای حل این نوع معضل‌ها اشاره شود:

۱- ب) ایجاد الگوهای صحیح رفتاری صحیح منطبق بر اخلاقیات بشری و فطرت آزادی خواه انسانی، مقتضیات زمانی، مکانی و فرهنگی، تبلیغات صحیح دینی و ایجاد سیستم کنترل درونی در افراد از طریق ایجاد باورها، اعتقادات دینی و تقویت هنجارهای اجتماعی.

۲- ب) حل مسایل اقتصادی کشور جهت سرمایه-گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی و رفع معضل بیکاری و به تبع آن ایجاد نقش‌های متفاوت برای جوانان.

۳- ب) شناسایی دقیق و صحیح نیازهای جوانان و ایجاد پل ارتباطی میان نسل جدید و قدیم با توجه به مقتضیات زمان.

۴- ب) تلاش جهت جلوگیری از افزایش جمعیت و حفظ تعادل و موازنه در سیستم جامعه.

۵- ب) به کارگیری شیوه‌های مختلف فرهنگی جهت احیای هویت اصیل ایرانی مبتنی بر بسترهای تاریخی و تطابق و اصلاح آن با مقتضیات زمان از طریق ابزارهای مناسب به ویژه رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی.

۶- ب) جلوگیری از سیاست‌های تهاجمی فرهنگ غرب در مقابل فرهنگ بومی که بیشتر با تأکید بر جنبه‌های سکس و خشونت باعث بی‌هویتی جوانان شده و در اضمحلال فرهنگ خودی و القای فرهنگ وارداتی بیگانه می‌کوشند (خاتمی، ۱۳۷۱: ص ۱۸۰).

۷- ب) ایجاد اوقات فراغت صحیح برای جوانان و هدایت آنان به مجراهای صحیح زندگی از طریق آموزش، ایجاد پایگاه‌های فرهنگی و مراکز مشاوره و به تبع آن کاهش موقعیت‌های استرس‌زا و فشارزا و

نهادهایی که به نحوی در برقراری نظم و کنترل اجتماعی در جامعه مؤثرند). در اینجا به برخی از عناصر هویت‌ساز که در شکل‌گیری هویت نقش دارند، اشاره می‌شود:

- نهاد خانواده.

- نهادهای آموزشی و مدرسه.

- محله زندگی.

- نهادهای اجتماعی (رسمی "GO" و غیررسمی "NGO").

- نهادهای مذهبی.

- رسانه‌های گروهی در زمینه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی.

- وجود نقش‌های اجتماعی و مقبولیت اجتماعی.

- خود کنترلی و کنترل خود به خودی که با تقویت هنجارها تثبیت می‌شود.

- دین، فرهنگ، زبان، قومیت و نژاد.

- دوستان و همسالان (ر.ک: احدی و دیگران، ۱۳۸۰: صص ۱۳۷-۱۴۲).

موارد یاد شده به نوعی در جامعه‌پذیری جوانان نقش اساسی دارند و هر چه قدر نهادهای مذکور در جامعه پذیرد و اجتماعی کردن آحاد جامعه بکوشند به تبع آن در شکل‌گیری هویت نوجوانان و جوانان نقش به سزایی خواهند داشت و به عنوان عناصر هویت‌ساز در پیریزی هویت افراد تأثیرگذار خواهند بود. ولی اگر نهادهای یاد شده در جامعه‌پذیری و شکل‌گیری هویت آحاد جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان نکوشند، موجبات بروز بحران هویت در جوانان را فراهم و به این معضل مبنایی دامن خواهند زد

ب) راهکارهای کلیدی

با توجه به اهمیت مسئله بحران هویت که در جامعه ما در حال شیوع می‌باشد و متأسفانه به این معضل به

تقویت بنیه روحی - روانی جوانان.

۸-ب) اصلاح نظام آموزشی و تقویت فرآیند جامعه‌پذیری و بنیه فرهنگی و ایجاد حس اعتماد متقابل بین افراد و نظام از طریق اجرای عدالت اجتماعی، فقرزدایی و زدودن شکاف‌های طبقاتی به منظور تقویت و استحکام هویت جوانان و جلوگیری از بروز بحران در بین آنان (کاظمی، ۱۳۷۷: ص ۱۲۶).

۹-ب) تقویت هویت دینی هم به خود فرد بستگی دارد هم به خانواده و عناصر جامعه، فرد از طریق تقویت باورها و اعتقادات مذهبی و درونی کردن آن‌ها می‌تواند فرآیند خودکنترلی و خودسازی را در خود تقویت و تثبیت نماید و خانواده و جامعه هم بایستی با ارائه راهکارهایی عملی بتوانند این فرآیند خودیابی، خودسازی و نظارت بر خود (که شامل مشاهده خود، خودسنجی و خودتقویتی است) را با ایجاد بستر مناسب در افراد جامعه تحقق بخشند (Dimatteo, 1991:104-103).

البته در این میان نقش رسانه‌های جمعی: رادیو و تلویزیون، اینترنت و جراید و مطبوعات در سطح گسترده در فرهنگ‌سازی و شکل‌گیری هویت دینی شفاف‌تر می‌شود که با ایجاد برنامه‌های متنوع و اثربخش به همراه مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی شده به شکل شبکه‌ای و طولی (نه گسسته و مقطعی) بازده و بازخوردهای مثبتی خواهد داشت.

چرا که اگر این هویت دینی و مذهبی در فرد و جامعه تقویت و تثبیت شود، زمینه‌های مرتفع ساختن بحران‌های دیگر را فراهم‌تر می‌سازد که این نوع هویت ریشه در فطرت آدمی دارد.

نتیجه‌گیری

از خود بیگانگی یا بحران هویت که با شاخص‌هایی چون احساس بی‌معیاری، بی‌قدرتی، جامعه‌گریزی،

جدایی از خویشتن، احساس پوچی و ناامنی همراه است، یکی از معضلاتی است که عدم توجه نهادها، سازمان‌ها و خانواده‌ها به آن، موجب تشدید شدن این پدیده خواهد شد و بی‌تردید در جامعه به یک سری ناهنجاری‌ها و مشکلات فردی، اجتماعی و فرهنگی دامن خواهد زد. متأسفانه وجود عناصر مختلف در بروز بحران‌ها (به ویژه بحران هویت در میان جوانان)، سبب بی‌هویتی فرهنگی و بحران هویت دینی و نوعی الینگی در آنان می‌شود که عدم توجه به آن، جامعه و افراد آن را با مشکلات فرهنگی، امنیتی، دینی، اجتماعی مواجه خواهد ساخت. بررسی پدیده مذکور نیازمند مدیریت سیستمی و شبکه‌ای در سطح کلان و خرد در تمامی عرصه‌های اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، تبلیغاتی بوده که بایستی با ارائه راهکارهای کلیدی و عملی از تشدید و وخامت آن در گستره اجتماع و در بین جوانان کاسته و جلوگیری شود.

بی‌تردید تبلیغات بیگانگان و القای فرهنگ وارداتی و به تبع مضمحل شدن و القای فرهنگ اصیل ایرانی، جوانان را با نوعی خلأ هویتی مواجه خواهد ساخت که ماحصل آن احساس بی‌هویتی در سطح فردی، گروهی، ملی و... خواهد بود.

بنابراین با توجه به حاد بودن مسئله مذکور، بررسی جوانب بحران و شفاف کردن پیامدها و تقویت عناصر هویت‌ساز در راستای جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن آحاد جامعه از یک سو و تقلیل عناصر بحران‌ساز و ارائه راهکارهای کلیدی در مهار، کاهش و یا پیش‌گیری از بحران به ویژه بحران هویتی جوانان از سوی دیگر تأثیرگذار خواهد بود.

منابع

احدی، حسن و دیگران (۱۳۸۰)، *روانشناسی رشد*، تهران، چاپ پردیس؛

کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۷)، بحران جامعه مدرن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛

کاویانی، محمد (۱۳۸۲)، جوانان و تهاجم فرهنگی، قم، مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی؛

گروه نویسندگان، روانشناسان بزرگ، ترجمه به پژوه و دولتی، تهران، انتشارات تربیت، چاپ دوم؛

معین، محمد (۱۳۷۸)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر؛

میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر آسیب شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، نشر فرهنگ؛

ناتانیل، براندن، انسان بدون خویشستن، ترجمه جمال هاشمی، مؤسسه انتشار؛

نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۷۵)، درآمدی بر فلسفه، تهران، انتشارات طهوری؛

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸)، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی چاپ اول؛

هلیگارد و دیگران (۱۳۶۸)، زمینه روانشناسی، ترجمه دکتر افکاری و دیگران، تهران، انتشارات رشد؛

Liebert. Robert M. Spiegler. Michal D (1987),
Personality strategies
& Issues. Sixth edition. California: Brooks Cole;
Schier. Carver. (1992), Perspective on Personality
Boston : Allyn
& Bacon ■

اسماعیلی، غلامعلی (۱۳۸۰/۵/۱۷)، مشکل هویت یابی در نوجوانان، همشهری، سال نهم، ش ۲۴۷۱؛

باقری، محمد حسین (اسفندماه ۱۳۸۲)، معمای هویت، روزنامه همشهری، ش ۳۳۳۲؛

جیمز، ویلیام (۱۳۷۲)، دین و روان، ترجمه مهدی قائمی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛

حسنی، محمد حسن (۱۳۷۸)، نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ و نشر عروج؛

خاتمی، سیدمحمد (۱۳۷۱)، بیم موج، تهران، انتشارات سیمای جوان؛

عمید، حسن (۱۳۷۴)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر؛

شاملو، سعید، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت، تهران، انتشارات رشد؛

شرفی، محمدرضا (۱۳۷۹)، جوان و بحران هویت، تهران، انتشارات سروش؛

کاپلان و سادوک، خلاصه روانشناسی، ترجمه نصرالله پور افکاری، ج ۴؛

Berk. Laura E. (1995), Infant, Children, Adolescents
Boston : Allyn & Bacon;
Craig. Gracey. (1989), Human Development fifth
editon. New York: Prentice Hall;
Dimatteo, M.Robin (1991), The Psychology of Health,
colifornia: